

کیفری به بار می‌آید.

۲-۲. انحصار مسئولیت کیفری به اشخاص حقیقی

طرفداران این رویکرد هرچند مسئولیت کیفری دولت را پذیرفته‌اند، اما بر این عقیده‌اند که این مسئولیت بر دوش اشخاص حقیقی است، که به نام و برای کشور عمل می‌کنند. دولت چیزی جز گروهی از اشخاص حقیقی نیست و مسئولیت کیفری این اشخاص حقیقی در واقع مسئولیت کیفری کشور متبوع آن‌ها خواهد بود.

از سویی از آنجاکه دولت شخصی حقوقی است، نمی‌توان مسئولیت کیفری را بر او بار نمود، چرا که اشخاص حقوقی چیزی جز انگاره‌های قانونی نیستند. موجوداتی ساختگی که نیازهای اجتماعی، اقتصادی و یا سیاسی وجود آن‌ها را توجیه می‌کند و در نتیجه مبانی مسئولیت به معنای حقیقی آن برای آن‌ها قابل‌تصور نیست. (الفار، ۱۹۹۶، ص. ۳۵) از دیگر سوی در صورتی شخص دارای مسئولیت خواهد بود که ماهیت اعمال و افعال خود را درک نماید و بتواند بین خیر و شر تفاوت قائل شود. آنچه‌که در بررسی یک جرم مهم است میزان دخالت اراده و اختیار فاعل در بروز عمل غیرقانونی و یا به عبارتی، رابطه‌ی سببیت میان عمل و نتیجه آن است. بنابراین از آنجاکه فقط اشخاص حقیقی دارای قوه‌ی درک و اراده هستند، مسئولیت کیفری نیز تنها باید بر دوش آنان قرار گیرد. (الأوجلی، ۱۹۹۷، ص. ۳۱۵) این رویکرد جایگاه فرد را در حقوق بین‌الملل در نظر نگرفته است. زیرا حقوق بین‌الملل به‌طور کلی برای افراد جایگاه و شخصیت بین‌المللی قائل نیست، مگر در برخی موارد استثنایی که فرد را مستقیماً مورد خطاب قرار می‌دهد. در واقع این دولت‌ها هستند که در حقوق بین‌الملل از جایگاه و شخصیت بین‌المللی کامل برخوردارند، لذا پذیرش صحت رویکرد مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی به‌تنهایی، چندان توجیه‌پذیر نیست.

۲-۳. جمع مسئولیت کیفری دولت و فرد

طرفداران این رویکرد بر این عقیده‌اند که مسئولیت کیفری جرائم بین‌المللی را